

از ساحت درون ماندگار، از انقطاع بشر از ساحت متعالی و از انسان سپریسته در برابر ساحت الهی سخن می گوید، در پس صدایش زمزمه اخوان ثالث را بشنویم که قلندرانه می خواند:

وقندیل سپهر تنگ میدان، زنده یا مهرده

به تابوت ستمبر ظلمت نه توی مرگ اندوخته پنهان است

حریفارو چراغِ باده را بفروز، شب با روز یک سان است.

+

پی نوشت

۱. توصیف این پریشانی بیش تر از هر چیزی از دل تجربه پدیدارشناختی کسانی قابل ارائه است که دغدغه دین دارند اما احساس می کنند گیروگرفتی در کار است که کار دین ورزی را در زمانه حاضر دشوار می کند. در این تجربه، مؤلفه های عصر مدرن مثل علم و دموکراسی و قانون و... ما را به چالش می کشند و این پرسش ها را به جان مان می اندازند که آیا دین جایی در این زمانه دارد؟ آیا دین با علم جمع می شود؟ آیا دین برای جامعه مدرن راه گشاست؟ آیا خدا و امر الهی جایی در مناسبات کنونی مان دارد؟ آیا عالم صرفاً همین کهکشان های سرد نیست که علم با تلسکوپ های پیشرفته خود کشف می کند؟ آیا چیزی ورای جهان علم وجود دارد؟

2. C. Taylor, *A Secular Age*. Belknap Press, 2018, p. 3.

3. J. K. Smith, *How (not) to be secular: Reading Charles Taylor*. Wm. B. Eerdmans Publishing, 2014.

این کتاب با عنوان «چگونه سکولار [ند] باشیم» به ترجمه این قلم توسط انتشارات ترجمان منتشر شده است.

۴. جیمز کی. ای. اسمیت، چگونه سکولار [ند] باشیم، ترجمه حامد قدیری، انتشارات ترجمان علوم انسانی، ۱۴۰۱، ص ۲۲-۲۳.

5. Secular.

6. Fragilization.

7. Immanent.

8. Transcendent.

9. Social imaginary.

10. Modern moral order.

11. Fullness.

12. Buffered self.

13. Cross-pressure.

14. Nova effect.

۱۵. جیمز اسمیت در پایان کتاب خود با عنوان چگونه سکولار [ند] باشیم، اصطلاح نامه مختصری از ۲۸ اصطلاح و عبارت فنی ارائه می کند که یا تیلور خود آن ها را معرفی کرده یا معنایی تازه به آن ها بخشیده است. ر.ک: اسمیت، جیمز کی. ای. (۱۴۰۱)، چگونه سکولار [ند] باشیم، ترجمه حامد قدیری، انتشارات ترجمان علوم انسانی، صص ۲۰-۲۴.

16. Constitutive.

17. Narrative Paradigm.

18. W. R. Fisher, «The Narrative Paradigm: In the Beginning», *Journal of Communication*, 1985, 35(4), 74-89.

۱۹. جیمز کی. ای. اسمیت، چگونه سکولار [ند] باشیم، ترجمه حامد قدیری، انتشارات ترجمان علوم انسانی، ۱۴۰۱، ص ۴۲.

20. C. Taylor, *A Secular Age*. Belknap Press, 2018, p. 25.

21. Ibid, pp. 28-29.

22. Ibid, p. 21.

است و نمی توان مرز قاطعی میان آن دو ترسیم کرد. بخش صوری کار تیلور به این پرسش برمی گردد که چگونه می توان وضع فعلی خود را تقریر کرد؟ و روش تیلور پاسخی به این پرسش است: مفهوم پردازی و روایت. ما در هر کجای عالم که باشیم، برای تقریر وضع فعلی خود به مفهوم پردازی و روایت نیاز داریم. باید بتوانیم مفهوم های منسجمی پیدا کنیم که ما را از زبان بستگی در قبال وضع خود آزاد و امکان تقریر آن فراهم کند و این مفهوم ها تنها زمانی کارآمد خواهند بود که وضع کنونی خود را در دل یک روایت گام به گام، در تداوم وضع سابق بفهمیم. با این حساب، تجربه کار تیلور می تواند الگوی خوبی برای ما باشد تا مفهوم پردازی و روایت گیری در راستای تقریر وضع فعلی را تمرین کنیم و نحوه چفت و بست دادن رخداد های تاریخی و بهره گرفتن از آن ها برای فهم موقعیت فعلی مان را یاد بگیریم. پس توشه صوری ما از کار تیلور می تواند این باشد که اگر داعیه آن را داریم که وضع پریشانی دین ورزی خود در زمانه کنونی را می فهمیم، باید بتوانیم روایتی بپردازیم که تعاقب رخداد های مادی و فکری ایران و اسلام را چنان نشان بدهد که دست آخر به مختصات وضع کنونی منتهی شوند.

اما در بخش مادی، تیلور به گذارهایی اشاره می کند که در غرب و جهان مسیحی لاتین رخ داده است. بسیاری از گذارهایی که آن جاطی شده در زمین الهیات مسیحی جوانه زده است و اگر بستر الهیات اسلامی را در نظر آوریم، برخی از آن گذارها رخ دادنی نیستند یا به شکلی دیگر و توسط گروهی دیگر پیش رفته اند. از سوی دیگر، در این نقطه از عالم، رخداد های منحصر به فردی واقع شده اند که در وضع کنونی ما دخیل اند اما لزوماً مشابهی در غرب و جهان مسیحی ندارند؛ از جمله ماجرای مشروطه و انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷. با این حساب، می توان گفت که آجرهای روایت ما و روایت تیلور لزوماً یکی نیستند و تفاوت های با هم دارند.

اما هم چنان می توان از بخش مادی روایت تیلور نیز بهره های برد. ما در زمان مکان متفاوتی از زمان مکان غرب، حاضر شده ایم اما از آن حیث که اندیشه غرب خود را در سطح جهان گسترانیده و تاریخ محلی را آرام آرام در زور دیده و مفهوم تاریخ جهانی را پیش آورده است؛ بسیاری از گذارهای ذکر شده در روایت تیلور همانا گذارهایی در تاریخ جهانی است و ما را نیز در برمی گیرد. غلبه نگاه علم محور، رواج رسانه، ظهور فردگرایی، بسط مفهوم دولت ملت و اهمیت یافتن قانون بشری از مواردی است که تا حدی وضع کنونی ما را دست خوش خود قرار داده اند و روایت آن ها روایت تکه ای از مختصات وضع کنونی ما خواهد بود. به بیان دیگر، زمان مکان ما لزوماً آبیستن تک تک گام های روایت تیلور، آن چنان که در غرب و جهان مسیحی رخ داده، نیست اما برخی از مؤلفه های روایت او بر وضع کنونی ما تأثیر داشته اند؛ بدین ترتیب، شنیدن روایت ظهور و تقویت این مؤلفه ها، ما را در تقریر وضع کنونی مان یاری می رساند.

+

۵. تیلور و اخوان ثالث هم آوایند

شاعر در هوایی می پرد و فیلسوف در اقلیمی دیگر سر می کند. اما هر دو شاید دل مشغول دغدغه ای واحد باشند. هر دو در لبه زبان می ایستند و به امر به زبان نیامده می نگرند و تلاش می کنند آن را به زبان بیاورند. شاعر و فیلسوف هر دو زبان آورند و می کوشند با تقریر و زبان آوری، مرز جهان انسان را قدامی پیش ببرند. از این رو، پربیراه نیست که وقتی چارلز تیلور

توشه صوری ما از کار
تیلور می تواند این
باشد که اگر داعیه
آن را داریم که وضع
پریشانی دین ورزی
خود در زمانه کنونی
را می فهمیم، باید
توانیم روایتی
بپردازیم که تعاقب
رخداد های مادی و
فکری ایران و اسلام
را چنان نشان بدهد
که دست آخر به
مختصات وضع
کنونی منتهی شوند.